



The Possibility of Accepting Strict Liability in Iranian Law Considering its Influential Components in American Law

Faeze Vahad¹, Mojtaba Zahedian^{*2}, Ahmad taji³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Department of Law, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

3. Department of Law, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:265-280

Article history:

Received:05 Jun 2024

Edition:09 Jun 2024

Accepted:15 Sep 2024

Published online: 23 Dec 2025

Keywords:

Pure Liability, Civil Liability, Causation Relationship, Assignability.

Corresponding Author:

Mojtaba zahedian

Address:

Iran, Mashhad, Islamic Azad University, Ma.C. Department of Law.

Orchid Code:

0000-0003-1265-4127

Tel:

0915508408

Email:

zahedian.m@mshdiau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: As one of the important theoretical foundations of civil liability, Strict Liability is established by establishing the causal relationship between damage and harmful act. The purpose of this article is to examine the possibility of accepting Strict Liability in Iranian law, considering its influential components in American law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that pure liability in its current form first appeared in the field of product liability in America and due to its social and economic efficiency compared to other forms of liability, but not only did they not have new innovations and initiatives, but due to the lack of sufficient protection for the victims, they do not have the necessary efficiency.

Result: Despite the conflict between the bases of responsibility, in the Civil Liability Law, the Civil Law and the Islamic Penal Code, in accordance with and interpreting the laws it is possible to establish the ability to be assigned as the basis of responsibility and the responsibility based on fault as An exception to this principle reached the conclusion that accepting the rules of pure liability in Iranian law is not only compatible with domestic laws, but also a necessity considering the factors influencing its acceptance.

Cite this article as:

Vahad, F; Zahedian, M; Taji, A. *The Possibility of Accepting Strict Liability in Iranian Law Considering its Influential Components in American Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



دوره هفتم، شماره ۵، سال ۱۴۰۴

امکان پذیرش مسئولیت محض در حقوق ایران با توجه به مولفه‌های تأثیرگذار آن در حقوق آمریکا

فائزه واحد^۱، مجتبی زاهدیان^{۲*}، احمد تاجی^۳

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۳. گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مسئولیت محض به عنوان یکی از مبانی نظری مهم مسئولیت مدنی، با احراز رابطه سببیت میان خسارت و فعل زیان بار ایجاد می‌شود. هدف مقاله حاضر بررسی امکان پذیرش مسئولیت محض در حقوق ایران با توجه به مولفه‌های تأثیرگذار آن در حقوق آمریکا است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد مسئولیت محض به شکل امروزی ابتدا در زمینه مسئولیت تولیدات در آمریکا پدیدار شد؛ و به علت کارآمدی اجتماعی و اقتصادی نسبت به سایر اشکال مسئولیت، مورد توجه سایر نظام‌های حقوقی قرار گرفت. در حقوق ایران نیز قوانین متعددی در حمایت از زیان‌دیدگان به تصویب رسیده؛ اما نه تنها نوآوری و ابتکار جدیدی نداشته بلکه به علت عدم حمایت کافی از زیان‌دیدگان کارآیی لازم را ندارد.

نتیجه: علیرغم تعارض میان مبانی مسئولیت، در قانون مسئولیت مدنی با قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی، در مطابقت و تفسیر قوانین مطابق فقه اسلامی، می‌توان با مبنا قرار دادن قابلیت انتساب به عنوان پایه مسئولیت و قرار دادن مسئولیت بر اساس تقصیر به عنوان استثنایی بر این اصل، به این نتیجه دست یافت که پذیرش قواعد مسئولیت محض در حقوق ایران نه تنها با قوانین داخلی سازگار است، بلکه با توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذار در پذیرش آن، یک ضرورت است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۵۱-۲۸۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

واژگان کلیدی:

مسئولیت محض، مسئولیت مدنی، رابطه سببیت، قابلیت انتساب.

نویسنده مسئول:

مجتبی زاهدیان

آدرس پستی:

ایران، مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد.

تلفن:

0915508408

کد ارکید:

0000-0003-1265-4127

پست الکترونیک:

zahedian.m@mshdiau.ac.ir

۱. مقدمه

در تحلیل‌های ابزاری از مسئولیت مدنی، رفتارهایی که سبب کاهش رفاه اجتماعی می‌شود، تقصیر محسوب می‌گردد. واردکنندگان زبانی که برای ایشان مسئولیت محض مقرر گردیده، جهت جلوگیری از ایجاد حادثه و تحمل مسئولیت، انگیزه بالایی در انجام اقدامات احتیاطی دارند.

ایجاد مسئولیت برعهده شخصی که می‌تواند با هزینه کم از بروز خسارت جلوگیری نماید، سبب تخصیص کارآمد منابع؛ و توزیع خسارات در طیف گسترده‌ای از جامعه گردیده و افراد حداقل ضرر را خواهند کرد. تعیین مبنای مسئولیت، دارای پیامدهای اقتصادی است. در مسئولیت مبتنی بر خطای معین بی‌احتیاطی که با اثبات نقض وظیفه مراقبت ایجاد می‌گردد، دادگاه‌ها ناگزیر از تعیین سطح احتیاطی و بررسی رعایت آن از سوی وارد کنندگان زیان هستند که امری مستلزم صرف وقت و هزینه است. اعمال مسئولیت محض، هزینه‌های تعیین سطح احتیاط در پیشگیری از وقوع حوادث را بر عهده عاملین زیان قرار می‌دهد زیرا ایشان بهترین موقعیت برای تعیین سود و هزینه‌ها از جمله هزینه‌های جلوگیری از وقوع خسارت را دارند (وندال، ۲۰۱۱، ۲۳). مزایا و کارآمدی قواعد مسئولیت محض در زمینه‌های خاص بر اساس اهداف مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی اخلاقی در حقوق آمریکا، توجه سایر نظام‌های حقوقی را جلب نموده و در قوانین آنها مورد پذیرش قرار گرفته است.

در حقوق ایران با تغییر شرایط اجتماعی و حسب نیازهای روز جامعه، قوانین متعددی از جمله قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو، قانون مربوط به مواد خوراکی و آشامیدنی و... در جهت حمایت از

از دیرباز نظام مسئولیت مدنی ساز و کاری برای جبران خسارت زیان‌دیدگان بوده است. امروزه حقوق دانان و اقتصاددانان معتقدند نظام مسئولیت مدنی به مثابه ابزاری است که با تغییر قواعد آن علاوه بر حمایت از حقوق زیان‌دیدگان می‌توان به اهداف اجتماعی و اقتصادی نیز دست یافت.

برای رسیدن به این مقصود لازم است تا هر نظام حقوقی بر حسب ماهیت خساراتی که ایجاد می‌شود، شیوه‌های متفاوتی به کار گیرد. یکی از این راهکارها استفاده از مسئولیت محض است. قوانین «مسئولیت محض» که مجدداً از قرن بیستم در سیستم کامن‌لا رونق یافته؛ مسئولیتی بدون تقصیر است که گاهی خواندگان حتی بدون ارتکاب تقصیر، مسئول زیان‌های وارده هستند. بدون اینکه به تقصیر یا انگیزه ایجاد خسارت، توجهی شود. مسئولیت بر اساس رابطه سببیت ایجاد شده و تنها رافع مسئولیت، انتساب ضرر به قوای قاهره است. عموماً قوانین مسئولیت محض بر اساس سیاست اجتماعی، فعالیت‌های مشخصی را که سبب ایجاد خسارت می‌شوند، مسئول قرار می‌دهند، حتی اگر رفتار صاحبان این نوع فعالیت‌ها، عاری از عمد یا ارتکاب بی‌احتیاطی باشد. مسئولیت محض تنها با انتساب فعل زیان‌بار به خسارت ایجاد شده، سبب التزام عاملین زیان به جبران خسارت می‌گردد.

رژیم مسئولیت محض به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های اصلی حقوق خطا در آمریکا، به دلایل مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. به لحاظ اخلاقی، تحمیل خسارات بر عاملین زبانی که سبب ورود خسارت بوده‌اند به جای تحمیل آن بر زیان‌دیدگانی که هیچ دخالتی در ایجاد خسارت ندارند، با انصاف سازگارتر است. به علاوه امروزه

مدنی و قانون مجازات اسلامی امکان پذیرش نظریه وجود دارد و مبنای مندرج در قانون مسئولیت مدنی باید در تطابق با این قواعد تفسیر شود.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد مسئولیت محض به شکل امروزی ابتدا در زمینه مسئولیت تولیدات در آمریکا پدیدار شد و به علت کارآمدی اجتماعی و اقتصادی نسبت به سایر اشکال مسئولیت، مورد توجه سایر نظام‌های حقوقی قرار گرفت. در حقوق ایران نیز قوانین متعددی در حمایت از زیان دیدگان به تصویب رسیده اما نه تنها نوآوری و ابتکار جدیدی نداشته بلکه به علت عدم حمایت کافی از زیان دیدگان کارآیی لازم را ندارد.

۵. بحث

مسئولیت محض، حاصل افکار فلسفی حقوقدانان در مواجهه با پیشرفت‌های دانش بشری و پیچیده شدن روابط اجتماعی است که با حذف عنصر تقصیر از مسئولیت مدنی و تأکید بر رابطه سببیت، در پی تسهیل جبران خسارت زیان‌دیده است. این نوع مسئولیت با مبانی متعدد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی توجیه می‌گردد. مسئولیت محض در ابتدا ویژه فعالیت‌های خطرناک بود، اما همگام با پیشرفت بیمه‌های مسئولیت و تأمین

زیان‌دیدگان به تصویب رسیده اما متأسفانه مبنای مسئولیت در این قوانین به صراحت مشخص نشده است. هرچند برخی (تخشید؛ بادینی، ۱۳۹۸، ۲۳۰)، معتقدند شاید دلیل قانونگذار بر این مسأله دغدغه حمایت از تولیدکنندگان است اما به نظر می‌رسد سواى از این دیدگاه، تعارض مبنای مندرج در قانون مسئولیت مدنی با قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی نیز در این خصوص بی‌تأثیر نبوده است.

در زمینه مسئولیت محض و مزایای استفاده از آن به عنوان یک قاعده کارآ، پژوهش‌های مفید و ارزشمندی در حقوق ایران صورت پذیرفته است. حقوق‌دانان ضمن تشریح مفصل قاعده مسئولیت محض با توجه به کارایی اقتصادی و اخلاقی، بر لزوم تصریح قانونگذار در قوانین خاص داخلی تأکید نموده‌اند. بر اساس آنچه گفته شد سوال مقاله بدین شکل قابل طرح است که امکان پذیرش مسئولیت محض در حقوق ایران با توجه به مولفه‌های تأثیرگذار آن در حقوق آمریکا وجود دارد؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه: «مسئولیت محض به صورت ضمنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران پذیرفته شده است اما به دلیل عدم تصریح قانون‌گذار، از کارایی لازم برخوردار نیست». به منظور بررسی سوال و فرضیه مورد اشاره، در این پژوهش ضمن نگاهی گذرا به مولفه‌های برتری که سبب اقبال عمومی از این قاعده در حقوق آمریکا گردیده، به بررسی نظرات فقها در مبحث ضمان از یک سو و از سوی دیگر نقد و بررسی نقطه بنیادین اختلاف نظرات حقوقدانان در خصوص اتخاذ رویکردهای متفاوت در مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران پرداخته شده است. در این مقاله فرض بر آن است که با مبنای قابلیت انتساب مندرج در فقه، قانون

اجتماعی که اهداف و کارکردهای مسئولیت مدنی را دگرگون نموده، گسترش یافته است.

۵-۱. مسئولیت محض در حقوق آمریکا

حقوق خطا در آمریکا به سه شاخه کلی مسئولیت مبتنی بر خطای معین بی احتیاطی (غفلت)، خطاهای عمدی و مسئولیت محض تقسیم و کلیه دعاوی مسئولیت مدنی، تحت یکی از این عناوین قرار می‌گیرد. در کامن‌لا ورود خسارت در نتیجه عمد یا بی‌احتیاطی، تقصیر اخلاقی است. در تقصیر قانونی عاملین زیان بدون ارتکاب تقصیر اخلاقی ممکن است به لحاظ قانونی، مسئول جبران خسارات وارده باشند (عباسلو، ۱۳۹۴، ۲۹). در حقوق این کشور، نظام مسئولیت مدنی علاوه بر هدف جبران خسارت زیان‌دیدگان، روشی برای تنظیم رفتار تابعان حقوق است. احکام صادره دارای بازتاب اجتماعی است. بنابراین سبب تنظیم رفتارهای عاملین زیان بالقوه و حتی تنظیم قیمت‌ها و افزایش کیفیت کالاها می‌شود (تخشید؛ بادینی، ۱۳۹۸، ۲۳۱).

طرفداران مسئولیت محض پذیرش این نظریه را به لحاظ اخلاقی و اجتماعی در موارد خاص، عادلانه و منطقی دانسته و به خصوص در رویکردهای مدرن، آن را ابزاری، در کارآمد نمودن رفتارها و فعالیت‌های اقتصادی که در نهایت منجر به برقراری عدالت توزیعی و تامین رفاه اجتماعی تمامی افراد جامعه می‌گردد، دانسته‌اند.

۵-۱-۱. دلایل اخلاقی

برخلاف بیشتر نظریات در مبنای مسئولیت مدنی که در آن صرفاً به حقوق عامل‌زیان یا زیان‌دیده توجه می‌گردد، در این نظریه به منافع زیان‌دیدگان بالقوه و واردکنندگان زیان بالقوه به یک اندازه توجه می‌شود (بادینی، ۱۳۹۴، ۴۹۳).

حقوق‌دانان معتقدند اعمال مسئولیت محض نسبت به تقصیر، حمایت بیشتری از زیان‌دیدگان در مقابل اشکال گوناگون خطرات و حقوق ایشان به عمل آورده و منصفانه‌تر است (کیتینگ، ۲۰۰۶، ۴). خطرات، جزیی از زندگی اجتماعی و لازمه آن است. اما باید با تفکیک میان خطرات، تنها برای برخی از انواع آن، مسئولیت برقرار نمود.

در خطرات متقابل که اصطاحاً «خطرات اجتماعی» نامیده می‌شود، واردکنندگان زیان بالقوه، همان زیان‌دیدگان بالقوه هستند. تحمیل خطرات به صورت منصفانه و بر اساس منافع مشترک، بر تمامی اعضاء جامعه به صورت یکسان تحمیل می‌گردد. دسته دیگر خطراتی است که به دلیل تفاوت فعالیت‌ها توسط برخی اعضاء جامعه بر دیگران تحمیل می‌شود. تعمیم مسئولیت و منافع به طور مساوی، به نحوی که در خطرات متقابل وجود داشت، با عقل و انصاف در تعارض است. بنابراین باید مسئولیت با منافع به دست آمده از ایجاد این خطرات متناسب باشد (کیتینگ، ۲۰۰۶، ۱۷-۱۵). تحمیل خسارت بر عامل زیانی که در ایجاد ضرر نقش فعال داشته، به جای تحمیل آن بر زیان‌دیده منفعلی که هیچ نقشی در وقوع خسارت نداشته، عادلانه‌تر است.

خسارات ناشی از اعمال ارادی، زیان‌های ذاتی مرتکبین بوده که از نظر اخلاقی نیز منتسب به آنهاست و وظیفه مسئولیت محض اطمینان از عدم تحمیل خسارت به دیگران است ((دیکین؛ زوئی، ۲۰۱۹، ۳۳). امروزه حتی نظریات مبتنی بر تقصیر، آن را اعم از تقصیرهای عمدی و غیرعمدی می‌دانند. چنین تعبیری مبین تغییر معنای عرفی تقصیر است که دیگر از این مفهوم، تنها معنای قابل سرزنش بودن به ذهن متبادر نمی‌گردد.

۵-۱-۲. اهداف اجتماعی

حقوق‌دانان و اقتصاددانان بسیاری، قوانین مسئولیت محض را ابزاری قانونی که قادر به ایجاد انگیزه در اشخاص به منظور رسیدن به اهداف بهره‌وری اجتماعی است، می‌دانند (شفر؛ آندریاس، ۲۰۰۹، ۵۹۸). نگرش ابزاری، به معنای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده است. قوانینی که قادر به تحقق اهداف نباشند، ناکارآمد محسوب شده که باید اصلاح یا تغییر نماید (آنسر، ۲۰۲۰۴، ۱۲).

افزایش سطح ایمنی از طریق افزایش اقدامات احتیاطی، یکی از اهداف اجتماعی مسئولیت محض است که به نوبه خود سبب به حداقل رسیدن هزینه کلی فعالیت‌های خطرناک که یکی از اهداف اقتصادی مهم است، می‌گردد (میسلی، ۲۰۱۷، ۱۹). به منظور کارآیی مسئولیت محض، باید با توجه به ماهیت حادثه، سهم هر کدام از طرفین در رعایت احتیاط تعیین گردد.

گاهی انجام اقدامات احتیاطی، تنها از جانب عامل زیان امکان‌پذیر است و زیان‌دیدگان هیچ نقشی در وقوع خسارت یا شدت آن ندارند. به این حوادث اصطلاحاً «حوادث یک جانبه» می‌گویند. در این حالت عاملین ورود زیان به منظور کسب منفعت بیشتر با افزایش سطح فعالیت، احتمال وقوع خسارت را افزایش می‌دهند (کلمن، ۲۰۰۲، ۲۰۵). ایجاد مسئولیت محض بر عهده عاملین زیان، سبب ترغیب ایشان، در انجام اقدامات احتیاطی در سطح بهینه یا کاهش سطح فعالیت، جهت جلوگیری از بروز خسارات می‌گردد (گلبرگ و زیپورسکی، ۲۰۲۱، ۳۴).

در «حوادث چند جانبه»، گاهی ماهیت حادثه به نحوی است که اقدامات احتیاطی یک طرف برای جلوگیری از وقوع خسارت کافی است. در این

حالت «احتیاط جانشینی»، مسئولیت را بر عهده طرفی که قادر بوده با هزینه کمتر از آن جلوگیری کند، تحمیل می‌کند. اگر این شخص زیان‌دیده باشد، اعمال قاعده عدم مسئولیت یا اعمال مسئولیت محض با امکان استناد به «تقصیر مشارکتی» زیان‌دیده کارآمد است (بادینی؛ عباسی، ۱۳۹۷، ۷-۸).

در برخی حوادث نیز، انجام اقدامات احتیاطی از جانب زیان‌دیدگان به اندازه عاملین زیان، می‌تواند در کاهش وقوع خسارت یا شدت آن موثر باشد (شاوول، ۲۰۰۷، ۲۲-۹). با توجه به لزوم «احتیاط دوطرفه»، عاملین زیان برای معافیت از مسئولیت، امکان استناد به دفاع تقصیر مشارکتی مبنی بر عدم رعایت احتیاط از سوی زیان‌دیده را دارند.

این رژیم مسئولیت نسبت به مسئولیت بر اساس تقصیر، قدرت بازدارندگی بیشتری داشته و احتمال جبران خسارت زیان‌دیدگان از این طریق افزایش می‌یابد (وینسنت؛ لیو، ۲۰۱۸، ۱۰۴۶). از سوی دیگر زیان‌رسانندگان ناگزیر از اعمال مراقبت در خصوص تمامی آثار رفتار زیان‌بار خود گردیده و در نهایت هدف کارآمد شدن رفتارهای آنان برآورده می‌گردد (وندال، ۲۰۱۱، ۲۳). زیان‌رسانندگان بالقوه با علم به ایجاد مسئولیت تحت هر شرایطی، ضمن ارزیابی منافع و هزینه‌ها، برای رهایی از مسئولیت، اقدام به افزایش سطح ایمنی یا کاهش سطح فعالیت تا سطح مطلوب بهینه اجتماعی خواهند نمود.

توزیع زیان‌های اجتناب‌ناپذیر، هدف اجتماعی دیگری است که می‌تواند از طریق اعمال مسئولیت محض محقق گردد (وندال، ۲۰۱۱، ۲۳).. ایجاد مسئولیت محض بر عهده شرکت‌ها و موسسات، در برآورده ساختن این هدف نقش

موثری دارد (کالابرسی، ۱۹۶۱، ۵۰۱-۵۰۰). شرکت‌ها قادرند از طریق بیمه یا افزایش قیمت، خسارات را در جامعه توزیع نمایند.

با این رژیم می‌توان اطمینان داشت اشخاص ذینفع از فعالیت‌های خطرناک، زیان‌های ناشی از آن را نیز متحمل خواهند شد (وینسنت؛ لیو، ۲۰۱۸، ۱۰۴۶). با توجه به این که توزیع زیان‌ها در میان طیف وسیعی از افراد جامعه و در طی زمانی طولانی انجام می‌شود، فشار اقتصادی چندانی به کسی وارد نمی‌نماید. سرشکن شدن هزینه‌های حوادث غیر قابل اجتناب در میان جامعه از طریق مشارکت همگانی سبب می‌گردد، هر کدام از افراد جامعه اطمینان داشته باشد که در صورت ایجاد خسارت بر او، این خسارات با خطر عدم جبران مواجه نمی‌گردد.

۵-۱-۳. اهداف اقتصادی

در رویکردهای مدرن به مسئولیت مدنی، حقوق‌دانان و اقتصاددانان به پیامدهای اقتصادی مبانی انتخابی توجه می‌نمایند (شفر؛ آندریاس، ۲۰۰۹، ۵۹۸). برخلاف رویکرد سنتی که هدف جبران خسارت زیان‌دیده است، در این نگرش تمرکز بر کارایی اقتصادی قواعد است (بادینی؛ عباسی، ۱۳۹۷، ۳). هر خسارتی که ایجاد می‌گردد، هزینه‌هایی اجتناب‌ناپذیر در پی دارد. تمامی این هزینه‌ها از دو متغیر سطح فعالیت و سطح احتیاط ناشی می‌شود. افزایش سطح فعالیت، موجب افزایش احتمال وقوع حادثه و ایجاد خسارت می‌گردد.

اعمال مسئولیت محض بر عاملین زیانی که موقعیت برتری برای محاسبه هزینه‌های حوادث و هزینه‌های احتیاطی دارند (وندال، ۲۰۱۱، ۲۳). سبب می‌گردد تا با درونی کردن هزینه خارجی

حوادث، سطح فعالیت خود را تا سطح فعالیت بهینه اجتماعی کاهش دهند (شفر؛ آندریاس، ۲۰۰۹، ۶۱۳). احتساب هزینه‌های حوادث به عنوان هزینه واقعی تولید، سبب تخصیص بهینه منابع می‌شود. تمامی این هزینه‌ها در قیمت نهایی کالا منظور شده و در نتیجه سبب کاهش تقاضا و بالتبع کاهش حوادث می‌گردد (حاجی عزیزی؛ توکلی نهاد، ۱۳۹۹، ۴۶-۴۵). اگر بهای اضافه از قیمت بازار بیشتر باشد به این معناست که آن فعالیت کارایی لازم را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۲۹۳). صاحبان فعالیت از طریق درونی کردن هزینه‌های حوادث و افزایش اقدامات ایمنی، سطح فعالیت خود را در سطح بهینه اجتماعی تنظیم نمایند. به این ترتیب از تحمیل هزینه‌ها به سایر افراد و جامعه جلوگیری گردیده و هر فعالیتی ناگزیر به پرداخت خسارات ناشی از فعالیت خود به طور کامل خواهد بود.

رویکرد اقتصادی به مسئولیت مدنی علاوه بر کاهش خطر حوادث، سبب کاهش هزینه‌های اجتماعی است. بنابراین هرچه بیشتر خسارت در بین اعضاء جامعه توزیع شود، آثار اجتماعی آن کاهش یافته و سبب افزایش رفاه اجتماعی از طریق توزیع خطر در میان طیف وسیعی از افراد جامعه یا تحمیل ریسک بر کسی که در موقعیت برتری قرار دارد، می‌شود (بادینی؛ عباسی، ۱۳۹۷، ۱۶-۱۵).

احراز سطح احتیاطی بهینه توسط دادگاه علاوه بر دشوار بودن، مستلزم صرف هزینه است. مسئولیت محض، بدون توجه به سطح احتیاطی، تنها با وجود رابطه سببیت ایجاد می‌گردد. لذا عاملین زیان برای جلوگیری از ایجاد مسئولیت باید با هزینه خود، سطح احتیاطی لازم را ارزیابی نمایند.

و تفریط بوده (بهرامی احمدی، ۱۳۹۷، ۱۲۴) و از مباحث مربوط به مسئولیت مدنی گسترده‌تر است. قاعده وضع ید که با استیلاء بر مال غیر ایجاد می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۷، ۱۴۸)، قاعده غرور و قاعده تعدی و تفریط، به عنوان یکی از توابع ضمان ید (دیلمی، ۱۳۹۲، ۱۷۹)، از مباحث مسئولیت مدنی خارج است.

در آثار قرون اولیه فقها و در روایات، بحث اتلاف و تسبیب ذیل یک عنوان آمده و این جدایی از اوایل قرن پنجم در آثار فقهای شیعه مشاهده می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۹۷، ۱۵۴). به سبب اشتراک مستندات مباحث اتلاف و تسبیب، هر دو تحت عنوان قاعده اتلاف مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به قاعده لاضرر پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. قاعده اتلاف

اتلاف اگر به وسیله مباشرت باشد، اتلاف مستقیم و اگر با واسطه صورت گیرد مانند به وجود آوردن چیزی که تلف به سبب آن اما با علت دیگری انجام شود، با واسطه و به شکل سببیت است. به موجب این قاعده، هر کس مال یا منافع مترتب بر مال دیگری را بدون اجازه مالک به سببی از اسباب، عالماً یا از روی جهل تلف کند، مکلف است مثل یا قیمت آن را اداء کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۹۳). اتلاف اموال شامل تمامی اموال، منافع و مالیت آن‌ها است (الموسوی البجنوردی، ۱۳۷۷، ۲۹-۲۸). مستندات حکم اتلاف شامل کتاب، سنت، اجماع و بنای عقلاء است (محقق داماد، ۱۳۹۷، ۱۴۴).

آیات قرآنی در باب اتلاف شامل هر دو نوع آن یعنی اتلاف در معنای اخص و تسبیب می‌گردد (صفایی؛ هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ۵۷). در این خصوص به آیه ۱۱۴ سوره بقره، آیه ۱۲۶ سوره

اگر هزینه بیش از منفعت باشد، با کاهش سطح فعالیت، سطح حوادث نیز کاهش خواهد یافت.

از آنجا که عامل زیان، حتی با اثبات رعایت تمامی احتیاط‌های استاندارد، همچنان مسئولیت دارد، لذا با عنایت به قابلیت پیش‌بینی برنده دعوی، احتمال ورود به دادرسی کمتر شده و عاملین زیان به صورت داوطلبانه اقدام به پرداخت خسارت خواهند نمود.

۵-۲. امکان پذیرش مسئولیت محض در

حقوق ایران حقوق ایران

با وجود پراکندگی قواعد مسئولیت مدنی، عمده این قوانین در قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی آمده است. قانون مدنی به پیروی از فقه در چند ماده اصول کلی مسئولیت را بر اساس قابلیت انتساب عرفی و مبنای نفی ضرر بیان نموده است. با این حال مبنای قانون مسئولیت مدنی بر اساس نظریه تقصیر بنا شده و با سایر قوانین مطابقت ندارد (سعادت مصطفوی؛ پایکاری، ۱۳۹۷، ۱۶۱). تعدد مبانی مسئولیت، سبب اختلاف نظرات فراوانی میان حقوق‌دانان در مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران گردیده است.

با توجه به این که حقوق ایران بر مبنای سازگاری با فقه اسلامی بنا گردیده، لذا ابتدا به بررسی مطالب فقهی خواهیم پرداخت. سپس با توجه به تعدد مبانی مسئولیت مدنی در قوانین، نظرات حقوق‌دانان در باب مبنای مسئولیت بررسی می‌گردد.

۵-۲-۱. منابع فقهی

مبنای ایجاد ضمان در فقه ناشی از قواعد نفی ضرر، اتلاف، تسبیب، غرور، قاعده ید و تعدی

اجماع کاشف از قول معصوم را معتبر می‌شمارند، به علت وجود روایات، این اجماع را فاقد ارزش می‌دانند.

قاعده اتلاف پیش از آن که یک قاعده شرعی باشد، یک قاعده عقلی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۰۲). خردمندان مسئولیت جبران خسارت اموالی را که از بین می‌رود بر عهده فاعل آن قرار می‌دهند.

در تسبیب، فعل زیان‌بار به صورت غیرمستقیم با قرار گرفتن در مجاورت برخی عوامل دیگر، زمینه ایجاد خسارت را فراهم می‌نماید. معیار ایجاد ضمان در تسبیب، انتساب عرفی است (محقق داماد، ۱۳۹۷، ۱۶۳؛ النجفی الجواهری، ۱۳۶۲، ۵۱-۴۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۰۹-۲۰۷). کلمات تعدی و تفریط مورد استفاده فقها (الخوئی، ۱۳۹۶، ۲۴۴) در احراز قابلیت انتساب است. دلیل عدم تفکیک مثال‌های متعدد در خصوص مباشر و مسبب در آثار فقها (خمینی، ۱۳۹۲، ۶۰۳-۵۹۶). ایجاد ضمان با استناد فعل به مرتکب است و مباشر و مسبب بودن تاثیری در شرایط ایجاد ضمان ندارد. تعاریف فقها از سبب و مباشر، تنها برای تشخیص عنوانی است که عرف بر آن صدق نماید و این موضوع دلالتی بر تقدم مباشرت یا تسبیب در زمانی که هر دو با هم وجود دارند، نمی‌کند. مباشر یا سبب بودن، به مرتبه خاصی تعلق ندارد، بلکه گاهی سبب و گاهی سبب سبب است (حسینی مراغی، ۱۳۹۲، ۳۳۶-۳۳۵).

در فقه اهل سنت، ضمان در تسبیب با احراز تعدی، ایجاد می‌شود و حتی برخی احراز آن در اتلاف بالمباشره را نیز ضروری دانسته‌اند (بهرامی احمدی، ۱۳۹۷، ۱۴۵-۱۴۴). همین نظرات در فقه اهل سنت و استفاده از کلماتی مانند تعدی عرفی،

نحل، آیه ۴۰ سوره شوری استناد می‌شود. اطلاق این آیات شامل نفوس و اموال است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۹۵-۱۹۴).

سنت پس از قرآن، مهم‌ترین مأخذ فقه اسلامی است و تمامی اصولیین بر حجت بودن قول، فعل و تقریر پیامبر(ص)، اتفاق نظر دارند (فیض، ۱۴۰۲، ۴۳-۴۱). فقها ضمن بیان مصادیق اتلاف، با استناد بر روایات نقل شده از پیامبر(ص) معتقد به ایجاد ضمان در هر دو نوع تلف مستقیم و غیرمستقیم هستند. به نظر ایشان علی‌رغم ظاهر روایات که در برخی از آن‌ها سبب عمدی و در برخی دیگر سبب غیرعمدی است، قصد ایجاد ضرر، اهمیت ندارد و ضمان در تمامی این موارد به صورت مطلق ایجاد می‌شود (الموسوی البجنوردی، ۱۳۷۷، ۳۲-۳۳). قاعده «من اتلف مال الغير، فهو له ضامن»، از جمله قواعد مشهور فقهی است که در ابواب مختلف توسط فقها مورد استفاده قرار می‌گیرد و مورد توافق همگان بوده و در آن اختلافی نیست و حتی برخی گفته‌اند این قاعده یکی از ضروریات دین است (الموسوی البجنوردی، ۱۳۷۷، ۲۵). در این قاعده تلف اموال به صورت مطلق موجب ضمان است و قصد و عمد در ایجاد آن دخالتی ندارد.

فقها در اصل ایجاد ضمان صرف‌نظر از برخی موارد و مصادیق اتلاف، به اجماع رسیده‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۷، ۱۴۸). در استناد به اجماع در تسبیب، برخی (الموسوی البجنوردی، ۱۳۷۷، ۳۳؛ النجفی الجواهری، ۱۳۶۲، ۵۱-۴۶)، آن‌را قدر متیقن از قصد مرتکب به ایجاد سبب وقوع تلف دانسته و برخی دیگر (محقق داماد، ۱۳۹۷، ۱۵۶) به دلیل لبی بودن اجماع، قدر متیقن را شامل موارد عمدی دانسته اما در نتیجه‌گیری نهایی با آنکه

تقصیر و تفریط در بیانات فقهای شیعه، موجب شده برخی حقوق‌دانان در تسبیب، تقصیر را یکی از ضوابط صدق عرفی اتلاف بدانند.

از نظر فقهای شیعه، انتساب عرفی فعل زیان‌بار موجب ضمان است و عمد و قصد، شرط ایجاد مسئولیت نمی‌باشد و احراز تعدی و عدوان، برای احراز انتساب است. با توجه به عدم جدایی مباحث اتلاف و تسبیب در آثار فقهای متقدم، شاید بتوان فلسفه این جدایی را، علاوه بر شناسایی مصادیق عرفی آن‌ها، گسترش محدوده موارد اتلاف بالتسبیب و ایجاد مسئولیت بر عهده مرتکبین، به منظور حمایت هر چه بیشتر از زیان‌دیدگان در جبران خسارت ایشان در موارد اتلاف با واسطه دانست.

۵-۲-۱-۲. قاعده لاضرر

لزوم جبران خسارت یکی از قدیمی‌ترین بنیادهای مسئولیت مدنی است که سایر قواعد از آن نشأت گرفته است. در حقوق اسلام این قاعده، حتی اگر به عنوان مدرک اصلی ضمان مورد استفاده قرار نگیرد، اساس جبران خسارت را تشکیل می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۱۳۰). فقهای امامیه معتقدند، شارع اسلامی بر اساس مصلحت‌گرایی، احکام ثانویه‌ای برای موضوعات گوناگون در حال و آینده در نظر گرفته که می‌توان با بهره‌گیری از آن‌ها قواعد حقوقی را بر اساس ضرورت‌های اجتماعی روز جامعه هماهنگ نمود تا ضرری جبران نشده باقی نماند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۵۰۲). صرف‌نظر از مفهوم قاعده و برداشت‌های متفاوت فقها از آن، عقل بر لزوم جبران خسارات توسط فاعل زیان حکم می‌کند. بنابراین استناد به قاعده لاضرر برای ایجاد مسئولیت مدنی صحیح است (یزدانیان، ۱۳۹۵، ۱۶۹).

قاعده لاضرر علاوه بر آن‌که می‌تواند در ضررهای شخصی به عنوان دلیل ثانویه، دایره ادله اولیه را محدود نماید، می‌تواند در خصوص قوانین و مقررات اجتماعی در خسارت وارده به افراد مفید واقع شود (محقق داماد، ۱۳۹۷، ۱۹۵). بنابراین می‌توان از این قاعده به عنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی در ایجاد راه حل، در خصوص مسائل جدید و مورد نیاز جامعه استفاده کرد. بر اساس معیار قاعده لاضرر، هر چه عرفاً ضرر محسوب شود، مشمول این قاعده بوده و باید مورد جبران قرار گیرد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۷، ۱۳۴). بر مبنای این اصل، فاعلین فعل زیان‌بار مکلف به جبران خسارات به نحوی هستند که خسارت جبران نشده‌ای باقی نماند و زیان‌دیده در وضعیتی که قبل از فعل زیان‌بار داشته، قرار گیرد (یزدانیان، ۱۳۹۵، ۱۶۲). عدم لزوم احراز تقصیر در ایجاد مسئولیت، جبران خسارات ناشی از فعالیت و منع از اضرار به دیگران، در اصلی‌ترین قواعد ایجاد ضمان، مبین توجه خاص و ویژه قوانین اسلام در لزوم جبران خسارات و حفظ حقوق زیان‌دیدگان است.

این توجه ویژه در حمایت زیان‌دیدگان و حرمت اضرار، از ادله قرآنی در مبنای مسئولیت مدنی برداشت می‌گردد. با این حال، برخی آیات مرتبط با قصاص و آیاتی که میان قتل ناشی از خطا و عمد، قایل به تفاوت گردیده است، چنین بر می‌آید که قرآن به نقش قصد و تقصیر واردکننده زیان در این موارد بی‌التفات نبوده است (حکمت نیا؛ هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۴، ۱۱۲). توجه به تقصیر درباره اتلاف جان و اعضاء و قایل شدن به تفاوت در ایجاد مسئولیت، مبین دقت قانونگذار اسلام به برقراری عدالت در مواردی است که هر عقل سلیمی احراز تقصیر در آن را مورد پذیرش

نمود، زیرا تقصیر رکن جداگانه‌ای است و با رابطه سببیت تفاوت دارد. به همین جهت عرف میان تمامی اسباب دور و نزدیک منجر به حادثه، سبب مقصر را مسئول می‌داند (قاسم زاده، ۱۴۰۰، ۶۹).
انتساب فعل زیان‌بار، اعم از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات دولتی، با تشخیص عرف صورت می‌گیرد. این دسته از حقوق‌دانان (قاسم زاده، ۱۳۹۵، ۶۶) حتی پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، علی‌رغم صراحت قانون، مبنای قابلیت انتساب در ایجاد ضمان را ظاهر مساله دانسته و معتقدند نقش تقصیر به حدی محوری است که در اغلب موارد بدون آن، نتیجه زیان‌بار قابل انتساب به رفتار مرتکب نیست.

با وجود ادعای این دسته در مستقل بودن رکن تقصیر، این ادعا فاقد پشتوانه فقهی، حقوقی و حتی استدلال منطقی است. در مثال‌های ذکر شده، تقصیر در احراز قابلیت انتساب به کار گرفته شده است. آن چه ایشان در توجیه استقلال رکن تقصیر در تعدد اسباب بیان می‌دارند، به لحاظ منطقی در سایر نظریات نیز وجود دارد. در تعدد اسباب با آن که قابلیت انتساب می‌تواند با تمامی عوامل دور و نزدیک احراز گردد، عرف سبب مقصر را مسئول می‌داند، اما این موضوع به معنای قطع قابلیت انتساب با سایر عوامل نیست. لذا، نظریات این دسته به جز ادعای مستقل بودن تقصیر به عنوان رکن ایجاد مسئولیت، با نظر دسته دوم که از تقصیر برای اثبات رابطه سببیت استفاده می‌کنند، کاملاً مطابقت دارد.

دسته دوم معتقدند تقصیر رکن مستقلی در ایجاد مسئولیت نیست و جایگاه بحث از آن در رابطه سببیت است. انتساب عرفی ورود ضرر به عامل

قرار می‌دهد. در حالی که در خصوص اتلاف اموال و منافع، احراز عمد و تقصیر تنها در احراز انتساب عرفی مورد استفاده قرار گرفته و دلیل بر معافیت از مسئولیت نمی‌باشد.

۵-۲-۲. دکترین حقوقی

در قانون مدنی اتلاف و تسبیب، دارای حکم واحدی بوده و در ایجاد مسئولیت به احراز تقصیر اشاره‌ای نشده است. هم‌چنین قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۴۹۲، جنایات قابل انتساب به رفتار مرتکبین را اعم از مباشرت، تسبیب یا اجتماع آنها، مشمول حکم واحدی قرار داده است.

با این حال ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، برای ایجاد مسئولیت به عمد و بی‌احتیاطی اشاره نموده و همین امر سبب شده تا برخی، مبنای مسئولیت مدنی در ایران را تقصیر دانسته و سایر قواعد مسئولیت بدون تقصیر را، استثنای این قاعده دانند.

در خصوص ایجاد مسئولیت در اتلاف، به محض انتساب فعل زیان‌بار به خسارت، حقوق‌دانان اتفاق نظر دارند. آنچه محل مناقشه و بحث می‌باشد، شرایط ایجاد مسئولیت بر عهده فاعل فعل زیان‌بار در خسارات غیرمستقیم است. به نظر برخی (بابایی، ۱۳۹۵، ۸۶) همین نحوه تفکیک فعل زیان‌بار به اتلاف و تسبیب در شرایط تحقق مسئولیت، منشاء ایجاد سوءتفاهمات عمده گردیده است. نظرات حقوق‌دانان در این خصوص، تحت سه دسته بندی کلی بررسی می‌گردد.

دسته نخست، تقصیر را به معنای احراز تجاوز و عدوان عرفی، رکن مستقلی در ایجاد مسئولیت می‌دانند (امینی؛ محمدی‌نژاد، ۱۳۹۱، ۶) که نمی‌توان از آن برای اثبات رابطه سببیت استفاده

مصطفوی؛ پایکاری، ۱۳۹۷، ۱۷۸-۱۷۷). مبنای ضمان، قابلیت انتساب عرفی است و تقصیر به غیر از موارد مصرحه قانونی، نقشی در اثبات رابطه سببیت ندارد، بلکه صرفاً در برخی موارد به احراز انتساب عرفی کمک می‌نماید.

در قوانین کیفری مسئولیت با قابلیت انتساب ایجاد می‌گردد و ارتکاب تقصیر یا عدم آن موجب تفاوت در مجازات تعیینی است. از سوی دیگر در تعدد اسباب موجب خسارت، با وجود برقراری قابلیت انتساب با تمامی عوامل دور و نزدیک، سبب مقصر مسئول است.

آنچه از جمع میان نظرات به دست می‌آید، اتفاق نظر حقوق‌دانان در ایجاد مسئولیت بر عهده مسبب در صورت ایراد خسارت به دیگران، با ضابطه انتساب عرفی ضرر است. وفق نظر فقهای شیعه که از تعدی و عدوان برای احراز انتساب استفاده می‌کنند، نظر حقوق‌دانانی که تقصیر را ذیل رابطه سببیت و به عنوان ضابطه‌ای در تشخیص قابلیت استناد استفاده می‌نمایند، با فقه اسلامی مطابقت دارد.

در تفسیر حکم مندرج در ماده یک قانون مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر، عده‌ای مبنای مسئولیت در حقوق ایران را تقصیر دانسته که بدون وجود آن، اضرار به غیر محقق نمی‌شود (طالب احمدی، ۱۳۹۲، ۴۰۱). برخی دیگر به دلیل مغایرت حکم با قوانین اسلامی و تعارض با مبنای مسئولیت در قانون مدنی (طالب احمدی، ۱۳۹۲، ۴۰۲)؛ و قانون مجازات اسلامی، آن را قابل پذیرش نمی‌دانند و معتقدند تصویب قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و اصلاحات قانون مدنی پس از انقلاب اسلامی، موید بازگشت حقوق ایران به مبانی احکام اسلامی و تأیید مبنای مسئولیت

ورود زیان، به معنای ارتکاب تقصیر است و اگر مرتکب، تقصیر نکرده باشد، قابلیت انتساب از بین می‌رود (عباسلو، ۱۳۹۴، ۵۶). اثبات تقصیر، لازمه اثبات رابطه سببیت است. اشاره فقها به تعدی، تفریط و تقصیر، از آن روست که رابطه سببیت عرفی بین فعل زیان‌بار و خسارت، بدون تقصیر، احراز نمی‌شود (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۷، ۷۵-۷۳). با وجود عدم احتساب تقصیر به عنوان رکن مستقل و ایجاد ضمان بر مبنای قابلیت انتساب عرفی، از نظر این عده، عدم ارتکاب تقصیر موجب عدم احراز قابلیت انتساب است. آنچه سبب چنین استدلالی گردیده، از باب غلبه تقصیر در اکثر مثال‌های تسبیب است. در حالی که بسیاری از خسارات می‌تواند در اثر اجرای حقوق مشروع و قانونی عاملین زیان به دیگران وارد شود. این نظر با قواعد نفی ضرر و جبران کلیه خسارات، مغایرت داشته و با وجود برقراری قابلیت انتساب عرفی ضرر به مرتکبان، خسارت بر زیان‌دیدگان تحمیل می‌گردد.

دسته سوم در خصوص بررسی تقصیر ذیل عنوان سببیت (بابایی، ۱۳۹۵، ۸۸) و عدم پذیرش آن به عنوان یک رکن مستقل در ایجاد مسئولیت با دسته دوم هم عقیده‌اند (صفایی؛ رحیمی، ۱۳۹۷، ۷۵). تفاوت ظریف میان نظرات آنان، در خصوص جایگاه تقصیر، در احراز قابلیت انتساب نمایان می‌گردد. از دیدگاه ایشان ملاک ایجاد مسئولیت، قابلیت انتساب است و تقصیر می‌تواند در احراز انتساب کمک نماید.

مبنای ضمان ناشی از اتلاف و تسبیب در فقه مبتنی بر مبنای واحدی است و فقها صراحتاً منظور از عدوان را برای احراز رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و خسارت اعلام نموده‌اند (سعادت

۶. نتیجه

دیدگاه‌های ابزارگرایانه به مسئولیت مدنی قوانین را به مثابه ابزاری برای برآورده شدن اهداف خاص و از پیش تعیین شده می‌دانند که قادر به تنظیم کارآیی اقتصادی و فعالیت‌های افراد در جامعه است. در نظام حقوقی آمریکا ایجاد مسئولیت محض در برخی فعالیت‌های خاص به دلایل اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی مورد پذیرش قرار گرفته است.

مسئولیت محض ضمن توجه یکسان به حقوق زیان‌دیدگان و عاملین زیان، با در نظر گرفتن ماهیت حوادث، مسئولیت را بر عهده اشخاصی قرار می‌دهد که با ایجاد محیط خطرناک از منافع آن بهره‌مند می‌گردند. به لحاظ اخلاقی تحمیل مسئولیت بر این اشخاص به جای زیان‌دیدگان منفعلی که هیچ نقشی در ایراد خسارت یا جلوگیری از آن ندارند، با عدالت و انصاف سازگارتر است.

مسئولیت محض به لحاظ اجتماعی سبب افزایش سطح ایمنی از طریق بالا بردن اقدامات احتیاطی گردیده و با توزیع زیان‌های اجتناب‌ناپذیر، قدرت بازدارندگی بیشتری دارد. به لحاظ اقتصادی نیز با تخصیص بهینه منابع موجب افزایش قیمت‌ها و در نتیجه کاهش تقاضا می‌گردد. همچنین به علت قابلیت پیش‌بینی برنده دعوی احتمال ورود به دادرسی کاهش خواهد یافت.

در حقوق ایران همگام با تحولات اجتماعی و اقتصادی، در پاسخ به نیازهای روز جامعه، قوانین متعددی به تصویب رسیده که از نظر حقوق‌دانان به علت عدم صراحت در تعیین مبنا، کارآیی لازم را ندارد.

مندرج در قانون مدنی است. قاعده کلی مسئولیت در حقوق ایران، ایجاد مسئولیت بر اساس احراز رابطه سببیت است اما در برخی زمینه‌های خاص، به دلیل ملاحظات اجتماعی، قواعد و احکام خاصی وضع شده است (بابایی، ۱۳۹۷، ۱۴۲۴-۱۴۱).

نظریات متعادل‌تر، درصد توجیه و تفسیر ماده در انطباق با قواعد فقهی و جمع با سایر قوانین هستند. از نظر این عده، وجود تقصیر یا عدم آن شرط ایجاد مسئولیت نیست و اثبات تقصیر به منظور تسهیل احراز رابطه سببیت است (داراب پور، ۱۳۸۷، ج ۴، ۱۵). مبنای تقصیر مندرج در مسئولیت مدنی، باید در کنار سایر قوانین که به پیروی از فقه تدوین شده، مورد تفسیر قرار گیرد. همچنین تصویب قوانین خاصی مانند قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی ۱۳۴۷ که بر اساس ضرورت‌های اجتماعی به تصویب رسیده است، بیانگر حرکت نظام حقوقی در باب مسئولیت مدنی، به سوی مسئولیت‌های موضوعی است. به همین جهت باید تقصیر مندرج در این قانون را به عنوان ضابطه‌ای در احراز رابطه سببیت تفسیر نمود تا منطبق با موازین اسلامی و بر اساس نیازهای جامعه باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۷، ۴۷۵-۴۷۴).

مبنای تقصیر قانون مذکور، اعم از تقصیرهای عمدی و غیرعمدی است. حتی حقوق‌دانان معتقد به رکن بودن تقصیر، از آن برای احراز انتساب عرفی ضرر در ایجاد مسئولیت استفاده می‌نمایند. حکم ماده یک قانون مسئولیت مدنی بر اساس تقصیر، تنها ضابطه‌ای برای احراز قابلیت انتساب است و باید در پرتو سایر قوانین و مطابق با قواعد اسلامی تفسیر گردد.

- گرچه مبنای مسئولیت مندرج در قانون مسئولیت مدنی بر اساس تقصیر است اما قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی به پیروی از فقه اسلامی بر اساس قابلیت انتساب عرفی ضرر به مباشر یا مسبب تدوین شده است. با در نظر گرفتن اصل ۷۲ قانون اساسی در منع از تصویب مقررات مغایر با اصول فقهی، می‌بایست مبنای تقصیر در قانون مذکور بر مبنای قابلیت انتساب، تفسیر و توجیه گردد.
- بر این اساس نه تنها پذیرش مسئولیت محض در حقوق داخلی با مانعی مواجه نیست بلکه پذیرش و اعمال آن امری ضروری می‌باشد. لذا شایسته است که موارد و شرایط اعمال آن توسط قانون‌گذار و برحسب اهداف از پیش تعیین شده اقتصادی و اجتماعی، تبیین گردیده و مورد تصریح قرار گیرد.
- ۷. سهم نویسندگان**
همه نویسندگان به صورت مساوی در تهیه این پژوهش شرکت داشته‌اند.
- ۸. تضاد منافع**
در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.
- منابع**
- منابع فارسی**
- امینی، عیسی؛ محمدی نژاد، سمیرا، «نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق کامن لا»، نشریه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، شماره هجده، ۱۳۹۱.
 - بابایی، ایرج، «جایگاه تفکیک ائتلاف و تسبیب در حقوق مسئولیت مدنی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره هفتاد و شش، ۱۳۹۵.
 - بابایی، ایرج، حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، چلپ بیست و سوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۷.
 - بادینی، حسن؛ عباسی، سمیه، «بررسی کارآیی مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق»، نشریه حقوق تطبیقی، شماره یکصد و نه، ۱۳۹۷.
 - بهرامی احمدی، حمید، ضمان قهری (مسئولیت مدنی) - با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام های حقوقی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۷.
 - تخشید، زهرا؛ بادینی، حسن، «مقدمه‌ای تحلیلی و انتقادی بر مطالعه تطبیقی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره چهل و نه، ۱۳۹۸.
 - حاجی عزیز، بیژن؛ توکلی نهاد، رضا، «مسئولیت محض فروشندگان کالاهای مستعمل با توجه به تحولات حقوق آمریکا»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره اول، ۱۳۹۹.
 - حکمت نیا، محمود؛ هوشمند فیروز آبادی، حسین، «ادله قرآنی مسئولیت مدنی»، مجله قرآن - فقه و حقوق اسلامی، شماره دو، ۱۳۹۴.
 - داراب پور، مه‌راب، حقوق مدنی (مسئولیت‌های خارج از قرارداد)، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.
 - دیلمی، احمد، حسن نیت در مسئولیت مدنی، چاپ سوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.

- سعادت مصطفوی، مصطفی؛ پایکاری، محمدجواد، «نگرشی جدید به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه امامیه»، نشریه آموزش‌های حقوق گواه، شماره چهار، ۱۳۹۶.
- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۷.
- صفایی، سید حسین؛ هوشمند فیروزآبادی، حسین، «عناوین خاص موجب مسئولیت مدنی در قرآن»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره چهار، ۱۳۹۳.
- طالب احمدی، حبیب، مسئولیت پیش قراردادی، چاپ سوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
- عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی با نگرش تطبیقی، چاپ سوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴.
- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، چاپ سی‌ام، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۴۰۲.
- قاسم زاده، سیدمرتضی، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ دوم، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵.
- قاسم زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ یازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۴۰۰.
- کاتوزیان، امیرناصر، «عصر تجربه و حقوق تجربی، اصول جبران خسارت در نظام حقوقی آمریکا»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره چهل و یک، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی - مالکیت و مسئولیت)، چاپ پنجم، تهران، مرکز نشر علوم انسانی، ۱۳۹۷.
- یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی (حقوق تعهدات - قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه)، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- منابع عربی**
- حسینی مراغی، سید میرعبدالله فتاح، ترجمه و شرح العناوین، ترجمه عباس زراعت، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل/ جاودانه، ۱۳۹۲.
- خمینی، روح الله، ترجمه تحریر الوسيله، چاپ سیزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲.
- الخوئی، السید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، چاپ سوم، قم، المطبعه العلمیه بقم المقدسه، ۱۳۹۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقیه، چاپ چهارم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۰.
- الموسوی البجنوردی، السید حسن، القواعد الفقیه، مصحح محسن درایتی و مهدی مهریزی، چاپ دوم، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۷.
- النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محقق محمود قوچانی، چاپ سوم، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲.

منابع لاتین

- Coleman, Jules L, Risk and Wrongs, 2th Edition, New York, Published to Oxford Scholarship Online, 2002.
- Deakin, Simon; Zoe, Adams, Markesinis and Deakin`s Tort Law, 8th Ed, USA, Oxford University Press, 2019.
- Keating, Gregory C, «Strict Liability and The Mitigating of Moral Luck», Journal of Ethic and Social Philosophy.No. 2,2006.
- Miceli,Thomas J, The Economic approach to law, 2th Ed, California, Stanford University Press, 2017.
- Schäfer, Hans-Bernd; Andreas Schonberger, Introduction to Encyclopedia of Law and Economics or Strict Liability Versus Negligence, 2th Ed, Inc, Edward Elgar Publishing,, 2009.
- Shavell, Steven, Economic Analysis of Accident Law, 1th Ed,United States of America,First, Harvard University Press, 2007.
- Vandall, Frank J, A History of Civil Litigation(Political and Economic Perspectives), 3th Ed,United States of America, Oxford University Press, 2011.
- Vincent, Johnson R; Liu,Chenglin, studies in American tort law, 6th Ed, United State of America, Carolina academic press, 2018.
- Answers, All, 'Strict Liability in Criminal Law' ,Lawteacher.net, July 2024.
- Goldberg, John : Zipursky, Benjamin C., The Strict Liability in Fault and the Fault in Strict Liability, The Strict Liability in Fault and the Fault in Strict Liability, 85 Fordham L. Rev. 743 ,2021.

